

نقش داستان راستان شهید مطهری و داستان‌های کوتاه محمود تیمور در بیداری اسلامی دو انقلاب ایران و مصر

hamidzohrei@yahoo.com
gavadi8667@gmail.com
mmehri2490@gmail.com

کچ حمیدرضا زهره‌ای / استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد
سیده پروین جوادی / دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد
محمد مه‌ری / سطح ۲ حوزه علمیه قم
دریافت: ۹۸/۱۱/۳۰ پذیرش: ۹۹/۰۲/۲۶

چکیده

گاهی روزگار در گردش خود به نقطه‌ای می‌رسد که حق و باطل در هاله‌ای از ابهام فرو رفته و راه از بیراه گم می‌شود. در چنین زمانه‌ای است که روشن‌فکران دینی و غیردینی دست به قلم می‌برند تا چراغی بیافروزند در دل تاریکی‌ها. محمود تیمور و مرتضی مطهری از جمله روشن‌فکرانی هستند که علاوه بر حضور سیاسی چشمگیر در دو انقلاب ایران و مصر، در عرصه ادب فارسی و عربی نیز خوش درخشیده‌اند؛ با این تفاوت که یکی از آن دو در عصر نهضت روزگار تجدید زندگی عرب می‌زیسته؛ و تحول در ساختار زندگی سیاسی - اجتماعی عرب، پس از عصر نهضت، سبب شده تا وی از مرز سنت‌ها عبور کرده، قدم به دنیای تجدد نهاده و داستان‌هایی واقعی از خرافه‌پرستی مسلمانان خلق کند؛ و دیگری با توجه به ضروریات جامعه ایران و از سر درد، نگارش آثاری هم‌تراز «فلسفه و روش رئالیسم» را رها کرده و عالمانه داستان راستان خلق کند که گویی در مقابل داستان‌های کوتاهی نوشته شده که به جای نمایاندن چهره واقعی اسلام، فقط و فقط بر دینی آمیخته با خرافه تاخته‌اند. علامه بزرگ شهید مطهری در این کتاب بسیاری از مبانی فکری و ریشه‌دار شیعه را در قالب داستان مطرح کرده است. هدف از این پژوهش که به شیوه تطبیقی، مقایسه‌ای و به روش کتابخانه‌ای انجام شده، مقایسه تطبیقی ساختار، محتوا، تفاوت‌ها، شباهت‌ها و نیز نقش داستان‌های کوتاه شهید مطهری و تیمور در شکل‌گیری دو انقلاب ایران و مصر است.

کلیدواژه‌ها: داستان، بیداری اسلامی، روشن‌فکری دینی، خرافه‌پرستی، انقلاب ایران، انقلاب مصر.

رها کرده و به وادی داستان‌نویسی قدم نهاده است. به عبارت دیگر، تیمور و شهید مطهری هر کدام به نوعی از دنیایی که در آن به سر می‌برده‌اند، گذر کرده و به وادی دیگری قدم نهاده‌اند.

روشنفکری صحیح اسلامی در ایران، تلاوم همان جریان اصیل اسلامی است که حتی پیش از رویارویی مردم ما با فرهنگ و تمدن غرب، در عصر قاجار وجود داشته است. می‌توان گفت که این جریان ادامهٔ اسلام ناب است که از پیامبر اکرم ﷺ آغاز و با ائمهٔ اطهار^{علیهم‌السلام} استمرار می‌یابد و سرانجام به علمای صالح و روحانیت اصولی می‌رسد. روحانیان اصولی، که در مقابل اخباریان قرار داشتند، برخلاف دیدگاه‌های «عقل‌ستیز» اخباریان و ناتوانی آنان برای پاسخ‌گویی به نیازهای زمان، بر جامعیت شریعت، اجتهاد و پذیرش صلاحیت عقل برای تشخیص احکام شرعی پای می‌فشرده و از این رو، به مسائل مستحدثه و نیازهای زمان به خوبی پاسخ می‌گفتند. از جمله افراد شاخص این جریان می‌توان از علامه سیدمحمدحسین طباطبائی و استاد شهید مرتضی مطهری نام برد، که مظهر روشنفکری صحیح اسلامی بودند. آنان با شجاعت و انصاف علمی و با دلایل متقن و محکم از اسلام ناب، به مقابله با تفکرات لیبرال، مارکسیستی و ناسیونالیستی برخاستند و بدون انفعال، پاسخگوی نیازهای فکری زمان شدند.

در این پژوهش سعی بر آن است تا به پرسش‌های ذیل پاسخ داده شود:

- داستان‌های کوتاه محمود تیمور و *داستان‌ها* *داستان‌ها* شهید مطهری در شکل‌گیری دو انقلاب مصر و ایران چه نقشی داشته‌اند؟
- ساختار داستانی در داستان‌های تیمور و شهید مطهری چگونه است؟

تا به امروز در زبان فارسی، مقالات چندانی دربارهٔ محمود تیمور، نوشته نشده؛ ولی چند اثر به زبان عربی دربارهٔ او نگاشته شده است از جمله «محمود تیمور و عالم الروایة فی مصر» (بیار، ۱۹۹۴)؛ «محمود تیمور» (حمدو الدقس، ۱۹۹۷)؛ «ترجمه و نقد رمان شمس و لیل» (ناصری و جلال‌وند، ۱۳۹۲). اما تا کنون به نقش داستان‌های تیمور و شهید مطهری در بیداری اسلامی دو انقلاب ایران و مصر هیچ اشاره‌ای نشده است.

۱. نقش داستان در شکل‌گیری انقلاب‌ها

به نظر می‌رسد کتاب‌های داستان، به‌ویژه داستان‌های دینی و انتشار آنها در تمام جوامع، یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری انقلاب‌ها هستند؛ چراکه مردم با مطالعهٔ عمیق و البته متفکرانهٔ آنها، با باورها و

بی‌گمان محمود تیمور با عنوان پدر داستان کوتاه عرب با جمال‌زاده در ایران هم‌تراز است و باید با وی مقایسه شود؛ چراکه این دو نویسنده همانند روشن‌فکران عصر خودشان معتقد بودند که باید در زمینه‌های گوناگون پلی ساخته شود میان تمدن مدرن اروپایی و جامعهٔ کهن سنتی آسیایی، که این مقایسه با قلم دانش‌پژوهان دیگر به انجام رسیده است، اما از آنجاکه شهید مطهری و تیمور از مبارزان تأثیرگذار در دو انقلاب مصر و ایران بوده‌اند و نیز به دلیل بازتاب وسیع *داستان‌ها* *داستان‌ها* شهید مطهری و داستان‌های کوتاه تیمور در جوامع اسلامی، مقایسهٔ این دو با یکدیگر نیز چندان دور از ذهن نیست. به نظر می‌رسد می‌توان ادعا کرد که شهید مطهری سال‌ها پیش از آنکه یکی از دوستانش ایدهٔ تدوین *داستان‌ها* *داستان‌ها* را در جلسه‌ای مطرح کند و درست در زمانی که دیگر آثارش را می‌نوشته، در اندیشهٔ خلق *داستان‌ها* *داستان‌ها* خویش بنا بر این، شاید بتوان ادعا کرد که شهید مطهری *داستان‌ها* *داستان‌ها* خویش را در مقابل داستان‌های تیمور، جمال‌زاده، و یا حتی جلال‌آل‌احمد نوشته است. اغراق نیست اگر ادعا شود که بخش کتاب‌سوزی مسلمانان در ایران و مصر از کتاب *خدمات متقابل ایران و اسلام* که در پاسخ به دو *قرن سکوت* عبدالحسین زرین‌کوب نوشته شده است، به‌تعمد ثابت می‌کند که شهید مطهری با تاریخ و ادبیات ایران و مصر آشنایی کامل داشته است؛ و بی‌تردید محمود تیمور به‌عنوان یک انقلابی مسلمان و پدر داستان کوتاه عرب از دید او پنهان نمانده است؛ یعنی نگارندگان احتمال می‌دهند که شهید مطهری، داستان‌های همتای انقلابی خود را - که در سال ۱۹۲۵م و حدود پنجاه سال پیش از انقلاب ایران و در زمان انقلاب مصر علیه استعمار انگلستان نوشته شده‌اند، را خوانده و *داستان‌ها* *داستان‌ها* خویش را در مقابل آنها نوشته است.

تیمور در روزگار انقلاب مصر علیه استعمار انگلستان می‌زیسته و آن برهه از زمان، مرز برخورد سنت‌های کهن و دنیای مدرن بوده است. در آن روزگار هنوز داستان کوتاه، به معنای جدید آن شکل نگرفته و از این رو، پیوند آن با سنت‌های داستانی و غیرداستانی عرب، غیرقابل انکار است. او قصه‌های سنتی را خوانده، رمانتیسیم را پیموده و سپس در راه داستان کوتاه واقع‌گرا، گام نهاده، و با این کار، گذری داشته است از سنت به تجدد؛ و در مقابل، شهید مطهری نیز در روزگار انقلاب اسلامی ایران علیه استبداد شاهنشاهی به سر می‌برده است. او نیز همچون محمود، از یک وادی گذر کرده و قدم به وادی دیگری نهاده است؛ یعنی *سیر فلسفه در اسلام، اصول فلسفه و روش رئالیسم، مقالات فلسفی، مسئلهٔ شناخت، نقدی بر مارکسیسم* و... را

ارزش‌ها و آرمان‌های دینی جامعه در قالب داستان آشنا شده، و به یک بصیرت دینی می‌رسند و سپس در پی تغییر وضعیت روزگار خویش برمی‌آیند؛ و همین راهی می‌شود برای آغاز یک انقلاب و رسیدن به اهداف آرمانی. نیز به نظر می‌رسد که داستان‌های دینی، در شکل‌گیری دو انقلاب ایران و مصر بی‌تأثیر نبوده‌اند.

۲. نقش شهید مطهری و تیمور در شکل‌گیری دو انقلاب ایران و مصر

شهید مطهری و محمود تیمور، از روشن‌فکران دینی بوده‌اند، و هر دو در نقطه‌ی مقابل غیرروشن‌فکران دینی (دین‌داران سنتی) و روشن‌فکران غیردینی قرار داشته‌اند؛ یعنی در نوشتن داستان، یک هدف مشترک را دنبال می‌کرده‌اند. اما چهره‌ای که آنها در داستان‌هایشان از اسلام حقیقی نشان می‌دهند، متفاوت است. تیمور بر برجسته‌سازی جنبه‌های خرافی آمیخته با دین، تأکید دارد که این راه اگر به درستی پیموده نشود، گاهی موجب دل‌سردی مردم از دین خواهد شد و شهید مطهری سعی می‌کند چهره‌ای از اسلام ناب را به نمایش بگذارد و این دو عامل، از اساسی‌ترین عوامل در بیداری اذهان و شکل‌گیری انقلاب‌های جهان اسلام هستند.

بنابراین می‌توان گفت که تیمور همچون یک طیب حاذق به شناساندن بیماری‌های دینی از قبیل هدیسم (بدینی)، پی‌میسم (لامذهبی)، اته‌ئیسم (ملی‌گرایی و گذشته‌پرستی) که گریبان‌گیر جامعه اسلامی شده بود، پرداخته و شهید مطهری در *داستان راستان* خود، علاوه بر تشخیص دردها، راه درمان چنین بیماری‌هایی را نیز به مسلمانان نمایانده است. او در دوره افول ارزش‌ها، نسبت به رواج بی‌ارزشی‌ها هشدار داده و به زنده‌کردن ارزش‌های اسلامی همت گمارده است. به عبارت دیگر، همین درد عمیق بود که وی را از مباحث کلامی و فلسفی به مسائل اجتماعی و عصری سوق داد و او مصلحان اجتماعی را بر همگان رجحان داد و داستان راستانی خلق کرد که مورد اقبال دل‌های سلیم قرار گرفت. شهید مطهری و تیمور، به عنوان روشن‌فکران دارای دغدغه دین، راه رستگاری یک جامعه اسلامی را در اصلاح نگاه و فکر دینی مردم آن جامعه می‌دانند. به عبارت دیگر، آنها معتقدند که ریشه همه مشکلات، بیگانگی مسلمانان با معارف اسلامی است؛ از این‌رو، با دردمندی تمام، با خلق داستان‌های خویش، دست به یک رستاخیز دینی و اسلامی زده‌اند؛ البته به نظرمی‌رسد که تیمور در داستان‌های

کوتاهش، فقط دیدگاه را ارائه می‌کند؛ ولی شهید مطهری دیدگاه را براساس یک نظام فکری توحیدی و منسجم ارائه می‌دهد. شاید بتوان ادعا کرد که *داستان راستان شهید مطهری* نقش مؤثرتری در بیداری اذهان و افزایش بصیرت و در نتیجه شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران داشته است.

۳. درباره محمود تیمور و شهید مطهری

۳-۱. معرفی محمود تیمور و آثار او

محمود تیمور (۱۸۹۴-۱۹۷۳م) یکی از ادیبان برجسته مصر و جهان عرب به‌شمار می‌رود، که او را پدر و پیشوای داستان‌نویسی معاصر عرب نام نهاده‌اند. کتاب *شمس و لیل* یکی از شاهکارهای شگرف اوست که با نیروی اندیشه و پندار شگفت خویش به نگارش آن پرداخته است. تیمور در خانواده‌ای سرشناس در ادب و فرهنگ، در قاهره، به سال ۱۸۹۴م دیده به جهان گشود (التونجی، ۱۹۹۹، ص ۲۹۷).

او در جوانی به بیماری حصبه دچار گشت و این بیماری تأثیرات عمیق و ژرفی در افکار، عقاید و اندیشه‌های او بر جای نهاد (ضیف، ۱۹۷۱، ص ۲۹۹-۳۰۰).

بزرگ‌ترین رخداد زندگی ادبی تیمور، مسافرت برادرش محمد به اروپا بود (حمدوالدقوس و فرهود، ۱۹۹۷، ص ۷۶) که محمود از او به‌منزله دریایی بی‌کران که ادبیات داستان‌نویسی غرب را در خود گنجانیده، بهره‌ها گرفت (ضیف، ۱۹۷۱، ص ۳۰۰). تیمور دارای آثار و نوشته‌های بسیاری در زمینه‌های گوناگون از جمله داستان *سءاء المجهول، قلب غائیه، دنیا جدید، نمایشنامه یعروس النیل، سهاد أو اللحن التائه، سفرنامه ابوالهول بطیر، جزیره‌الحب و ضبط الکتابة العربیة، مشکلات اللغة العربیة، ادب و ادباء* ... است که شمار آنها فراتر از ۸۵ اثر بوده، که این خود، نشان از توان نویسندگی بالا و شگرف او دارد (الیسوعی، ۱۹۹۶، ص ۴۰۲-۴۰۶).

تیمور در ادبیات تازی جایگاه برجسته‌ای را داراست. وی عضو فرهنگستان زبان عربی و شورای عالی حمایت از هنر، ادبیات و علوم اجتماعی و سردبیر انجمن داستان‌نویسی بوده است. نخستین جایزه را از فرهنگستان زبان عربی و همچنین جایزه ملی ادبیات را در سال ۱۹۵۰م و جایزه بین‌المللی ادبیات را در سال ۱۹۶۲م دریافت کرد (بیار، ۱۹۹۴، ص ۳۱۶). این نویسنده ابتدا به سبک رومانی‌گرایش داشت و به همین سبب به خواندن آثار *مصطفی لطفی منقوطة* پرداخت (تیمور، ۱۹۷۰، ص ۱۱۲). همچنین با خواندن کتاب *الأجنحة المتكسرة* اثر جبران

ساعت‌های طولانی می‌خوابیده است. «بنام نوماً هادتاً طویلاً معتمداً علی الله فی حراسة السجرت» (تیمور، ۱۹۳۷، ص ۷۳). اما او سال‌ها بعد، هر روز پیش از طلوع آفتاب از خواب برخاسته و برای ادای نماز به مسجد می‌شتابد «يقوم من النوم مبكراً ميمماً صوب السجامع لیودی فریضة الصبح قبل شروق الشمس» (همان).

جمعه شخصیتی است که دلخوش به داستان‌های مذهبی و حکایات خرافی، ساده و سعادتمند می‌زید؛ گویی به «دین العجائز» دل خوش است. او ساده‌لوحانه بر منبر مسجد شهر نشسته، فتوا صادر می‌کند و به سادگی به هر سؤالی پاسخ می‌دهد و فلسفه پیچیده‌ای ندارد. او سرخوشانه می‌زید. دستار سُرخش، نشانی از سرخوشی عاشقانه اوست. هیچ چیزی برای او اهمیت ندارد. نه شغل دهقانی‌اش در گذشته، و نه فتوا دادن کنونی‌اش در مسجد. تنها یاد جهنم است که او را غمگین می‌سازد «و کیف تکون جهنم التي أعدت للكافرين» (همان، ص ۷۴).

– خلاصه داستان عم‌متولی

«عم متولی»، داستان فروشنده دوره‌گردی است که پیش از این، فرمانده لشکر بوده، اما از شغل خود عزل گردیده است. او در اتاقکی فقیرانه می‌زید و خاطرات دوران فرماندهی خود را مرور می‌کند. عمامه سفید و طویلش نشانی از زندگی زاهدانه اوست. او اهل نماز و دعا و ذکر است؛ ولی تنها متون مذهبی نظیر «وارد الجلشانی» و «دلایل الخیرات» را می‌خواند و با تعصب از گذشته باشکوه اسلام سخن می‌گوید. او خاطرات گذشته را می‌کاود و در انتظار آینده است؛ و این انتظار نشان نارضایتی او از روزگار کنونی است. متولی، مخاطب خود را نیز به بازگشت شکوه اسلام امیدوار می‌سازد. او پانزده سال این‌گونه می‌زید، تا روزی یکی از ثروتمندان شهر به نام نورالدین بک، از او می‌خواهد که برای مادرش روضه خوانی کند. با انجام این کار، زندگی‌اش ناگهان بر اثر شایعه و رسیدن به ثروت دگرگون می‌شود، و او به جای دوره‌گردی، به امامت می‌رسد. گذشته‌اش در کم‌حافظگی مردم گم می‌شود و او را امام خود می‌پندارند. متولی، خود نیز این مسئله را باور می‌کند. اما واقعیت این است که با تغییر سبک زندگی، روحیات متولی نیز تغییر کرده است. او که تا پیش از ورود به خانه نورالدین بک، زیر لب حمد خدا و نعت رسول خدا ﷺ می‌گفته است: «یردد اثناءها «عم متولی» به صوت خافت شکره الله و صلاته علی النبی» (تیمور، ۱۹۳۷، ص ۳۸). پس از ورود به آن خانه، با لکنت زبان، به تشکر از صاحبخانه می‌پردازد: «یردد بتلعثم کلمات الشکرو الولاء بها و لأسرتها» (همان، ص ۴۰). سرانجام

خلیل جبران، تأثیرات بسیاری از او پذیرفت (خضر، ۱۹۶۶، ص ۱۷۳-۱۷۴). تیمور بعد از خواندن داستان‌های رئالیسم، و به‌ویژه داستان‌های مویاسان - داستان‌نویس واقع‌گرای فرانسوی - بسیار شیفته این شخصیت می‌گردد (ضیف، ۱۹۷۱، ص ۳۰۰). تیمور دارای توصیفات بسیار زیبایی در وصف مردمان، جانوران و چشم‌اندازهای طبیعی است که نمونه‌ای از زیباترین آنها این بخش است: «و بین الفینة و الفینة یخرج من الغابة «السنجاب» ذلک الحيوان الظریف، وهو یتوآب کالقط الصغیر منتفش الذیل، براق العین، یتشمم بأنفه المستدق، باحثاً عن طعام...» (تیمور، ۱۹۵۷، ص ۷۰).

هر از گاهی یک سنجاب از جنگل بیرون می‌آید، حیوان زیبا و باهوشی که بسان گربه‌ای کوچک با دُمی افراشته و چشمانی درخشان به این سو و آن سو می‌چهد و با پوزه حساس و باریکش در جست‌وجوی خوراکی، زمین را می‌بوید.

توصیفات تیمور همچون آینه‌ای است که جامعه، طبیعت و همه جوانب آنها را پیش‌روی همگان می‌نهد. توصیفات بس دقیق، ظریف و عمیق (شلش، ۱۹۷۳، ص ۴۵).

شمس و لیل کتابی است که تیمور در آن، سفرش به کشور سوئد یا سرزمین شمال را به تصویر می‌کشد. او در آغاز نام «خورشید در سرزمین شمال» را بر آن نهاد و در پایان دیگر کتاب‌هایش به آن اشاره داشت که در زیر چاپ است؛ ولی بعدها آن را به همین نام کنونی تغییر داد. این کتاب، قطعه‌های ادبی شگرفی دارد که با خیال و پنداری قوی درآمیخته است (حسین، ۲۰۰۷، ص ۳۰).

محمود در آثارش به واقع‌گرایی و نوآوری تصویری گرایش داشت. از آثار غیرداستانی‌اش نیز بررسی‌های زبان‌شناسی و فرهنگ‌نامه‌ای برجای مانده است (بعلبکی، ۱۹۸۰، ص ۱۷۹).

تیمور ۸۰ جلد کتاب نگاشته که ۳۳ مجموعه از آنها داستان کوتاه است. نخستین مجموعه داستان کوتاه او با عنوان *الشیخ جمعه* و *قصص آخری* در ۱۹۲۵م به چاپ رسید. او همان سال دومین مجموعه خود را با نام *عم متولی و قصص آخری* نوشت (همان).

۲-۳. خلاصه داستان‌های «الشیخ جمعه»

«عم متولی» و «فضیل عیاض»

– خلاصه داستان «الشیخ جمعه»

این داستان حکایتی است خاطره‌وار و نوستالژیک درباره شخصی به نام *الشیخ جمعه*، که راوی او را از کودکی می‌شناسد. جمعه در گذشته دهقانی بوده است که از سر کاهلی، خرمن را به خدا می‌سپرد، و خود

داستان «عم متولی» و «فضیل عیاض» به روشنی دید. جملاتی نظیر «إعلم یا بنی أن... إن لهم الدنیا و لنا الآخرة» (تیمور، ۱۹۳۷، ص ۷۶)؛ «الحمد لله الذی جعلنا من المؤمنین» (همان)؛ و در داستان فضیل عیاض می‌توان به آیه شریفه «ألم یأن للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله و ما نزل من الحق» (حدید: ۱۶) اشاره کرد.

البته شهید مطهری در مقدمه *داستان راستان* در مورد استفاده از قرآن چنین می‌نویسد: «به این فکر افتادم که حتماً همان‌طور که عده‌ای کسر شأن خود می‌دانند که کتاب‌های ساده - هرچند مفید باشد - تألیف کنند، عده‌ای هم خواهند بود که کسر شأن خود می‌دانند که دستورها و حکمت‌هایی که از کتاب‌های ساده درک می‌کنند به کار ببندند. در این کتاب برای رعایت حشمت و حرمت قرآن کریم از داستان‌های آن کتاب مقدس چیزی جزء این داستان‌ها قرار ندادیم. معتقد بوده و هستیم که قصص قرآن مستقل چاپ و منتشر شود، و خوشبختانه این کار مکرر در زبان عربی و اخیراً در زبان فارسی صورت گرفته است. استفاده‌ای که ما از قرآن مجید کرده‌ایم، اصل تألیف این کتاب است؛ زیرا اولین کتابی که *داستان راستان* را به منظور هدایت و راهنمایی و تربیت اجتماع بشری جزء تعلیمات عالیّه خود قرار داده، قرآن کریم است.»

۳. تیمور در «عم متولی» به متون دینی - مذهبی، چون: *أورد الجلسانی و دلائل الخیرات و حکایات دینی و تاریخ اسلام، فراوان اشاره دارد: «أحادیثه الذیینه الجلیله و تواریخه الشائقة عن الإسلام»* (همان، ص ۳۷) و *شهید مطهری برای نقل داستان «فضیل عیاض» از آثار عالمان رجال شیعه از جمله نجاشی، محمدتقی شوشتری و سیدابوالقاسم خوئی بهره جسته است. وی در مقدمه *داستان راستان* به این نکته اشاره کرده است: «اکثر این داستان‌ها از کتب حدیث گرفته شده و قهرمان داستان یکی از پیشوایان بزرگ دین است؛ ولی البته منحصر به این‌گونه داستان‌ها نیست؛ از کتب رجال و تراجم و تواریخ و سیره هم استفاده شده است و داستان‌هایی از علما و سایر شخصیت‌ها آورده شده که سودمند و آموزنده است.»*

۴. ساختارهای داستانی در داستان‌های تیمور و

شهید مطهری

بی‌تردید دانستن نقش داستان‌های تیمور و *داستان راستان* شهید مطهری در اعتلای فرهنگ اسلامی دو جامعه ایران و مصر، معلول دانستن خصوصیات قلمی و زبانی آنهاست که در این مقاله، به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود

روزی بیماری او را از پای می‌اندازد. *نورالدین* برایش قبه‌ای می‌سازد و آن قبه زیارتگاه مردم می‌شود.

به نظر می‌رسد که تیمور سعی کرده تا جهل مسلمانان زمان خویش را در هر دو داستان به نمایش بگذارد. از نظر او این جهل مردم است که از انسان‌های ساده‌لوح و حتی پریشان احوال، امامزاده‌ای واجب‌التعظیم می‌سازد.

شهید مطهری نیز به این نکته واقف است و بارها بر غیرروشن‌فکران دینی تاخته است. بر آنان که اسلام را در روضه‌ها و گریه بر مصیبت‌های وارده بر ائمه اطهار علیهم‌السلام خلاصه کرده‌اند و هر روضه‌خوان ناآگاه به قرآن و سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام را چنان به عرش اعلا می‌رسانند، که خود نیز به مقدس بودن خود ایمان می‌آورد. اما با این حال او به‌جای نمایش دادن این چهره کریه از اسلام، به نقل داستان‌هایی مثبت و زیبا از تأثیر حقیقی قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام بر روان تشنه آدمی سخن می‌گوید. در ذیل به نمونه‌ای از آن داستان‌ها اشاره می‌شود:

- خلاصه داستان فضیل عیاض

فضیل راهزنی است که شبی به قصد دزدی از دیوار خانه‌ای بالای رود. در همان لحظه قاری با صوت خوش چنین تلاوت می‌کند: «ألم یأن للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله و ما نزل من الحق» (حدید: ۱۶)؛ آیا وقت آن نرسیده که دل‌هاشان به یاد خدا خاشع گردد و به آنچه از حق نازل شد توجه کنند و مانند کسانی که پیش از این برایشان کتاب آسمانی آمد (یعنی یهود و نصاری) نباشند، که دوره طولانی (زمان فترت) بر آنها گذشت و دل‌هایشان زنگ قساوت گرفت و بسیاری فاسق و نابکار شدند؟

فضیل همانجا از دیوار پایین می‌آید، توبه می‌کند؛ توبه‌ای نصح توبه‌ای که این مرد را در ردیف عباد درجه اول قرار می‌دهد. کارش به جایی می‌رسد که تمام مردم در مقابل او تواضع می‌کنند (مطهری، ۱۳۵۳، ص ۴۶۷).

- نقاط مشترک عم متولی و فضیل عیاض

۱. هر دو داستان جنبه مثبت دارند. محمود تیمور داستان «عم متولی» را با سرانجامی خوش به پایان می‌رساند و شهید مطهری نیز در *فضیل عیاض* چنین می‌کند. اما سرانجام خوش *عم متولی* که برحسب تصادف و جهل مردمان آن عصر است، با عاقبت به‌خیری *فضیل عیاض* که نتیجه تأمل و تعقل و سپس توبه‌ای حقیقی بوده، بسیار متفاوت است.
۲. کلمات، ساختار و محتوای کتب دینی را می‌توان در هر دو

۴-۱. ساختار محتوایی

الف. نقد دین، خرافه‌پرستی و جهل

کتاب داستانی یافت می‌شود که دارای چنین ویژگی باشد و بتواند مطالب را آن‌گونه که باید و شاید و به تناسب فهم مخاطب ارائه دهد. شهید مطهری وظیفه خود را ارائه و عرضه اسلام به زبان زمانه می‌دانست. به عبارت دیگر، او اصالت و همراهی با زمانه را باهم جمع کرد؛ چراکه بدون چنین جمعی، گرایش فکری در جامعه اسلامی به یکی از دو راه می‌انجامید: انزوا و عقب‌ماندگی و دوری از روح زمانه، یا تحریف اسلام به نام پیشرو بودن و پروتستانیسم. لذا این کتاب، اثر مطمئن و مؤثری برای شناخت هرچه بهتر معارف اسلامی و تربیت دینی می‌باشد و به کسانی که با آن مأنوس می‌گردند، می‌آموزد که در عین استفاده از مبانی محکم عقلی با زبانی روان، اندیشه‌های منطقی را به‌گونه‌ای ارائه دهند که مخاطب آن را پذیرا شده، باور کند.

د. ارائه یک چارچوب مشخص از تفکر اسلامی

داستان‌های تیمور تنها حول یک محور می‌چرخند و آن تاختن بر متعبدان بی‌علم است و *داستان راستان* به موضوعات مختلف و پراکنده‌ای که در مقاطع مختلف زمانی مطرح شده، پرداخته است. موضوعاتی همچون: حقوق زن، هجرت و جهاد، توبه، عدالت، جاذبه و دافعه حضرت علی علیه السلام و... اما از آنجاکه همگی از یک منبع و تفکر اصیل اسلامی، نشئت گرفته‌اند، مجموعه منسجمی را تشکیل می‌دهند، به‌طوری‌که مخاطب می‌انگارد که این کتاب همچون درختی پربار است که دارای شاخ و برگ و میوه است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که *داستان راستان*، دارای موضوع واحدی است که اگر کسی به مطالعه کامل و دقیق آن بپردازد، او نیز دارای نظام فکری شده و می‌آموزد که چگونه مباحث جدید جامعه را با این توجه و تفکر مواجه کند و جواب لازم را دریابد.

ه. رها بودن داستان‌ها از قید و بند زمان و مکان

آثار هر دو نویسنده، از قید و بندهای زمانی و مکانی آزاد هستند؛ یعنی در روزگار کنونی نیز، مردم به خرافه روی آورده‌اند و هر روز امامزاده‌ای نو برای برآوردن حاجات خود، می‌سازند و همین امر باری گران بر دوش متفکران اصیل اسلامی است. همانان که دین را به دور از خرافه می‌خواهند. لذا در همه کشورهای اسلامی نوعی بیداری و به خودآمدگی اسلامی پیدا شده است؛ و ملل مسلمان با سرخوردگی از معیارها و مکتب‌های شرقی و غربی به جست‌وجوی هویت واقعی و اصیل خود برخاسته‌اند.

به نظر می‌رسد که شهید مطهری در این راه گام استوارتری

نقد دین، خرافه‌پرستی و جهل از مضامینی است که در آثار هر دو نویسنده نمود یافته است. در آثار تیمور، نقد مذهب در «عم‌متولی» نسبت به «الشیخ جمعه» بی‌پروایانه‌تر است. در «عم‌متولی»، تیمور پس از وصف شکوه از دست‌رفته اسلام و فقر متولی، از هیأت شکوهمند نورالدین سخن می‌گوید. در اینجا نورالدین است که امام را می‌سازد و مستبدانه دین را تعریف می‌کند. نویسنده از دینی که براساس شایعه، ثروت و خرافه است، گریزان است. داستان‌های دینی جمعه گاه با اسطوره یا خرافه درهم می‌آمیزد. این اسطوره‌ها و خرافه‌ها در «الشیخ جمعه» بسیار است. فقر نیز از دیگر دغدغه‌های تیمور است. بسامد کلماتی که نمودی از این دغدغه تیمور هستند، در داستان «عم‌متولی» بسیارند. شهید مطهری نیز همین دغدغه را داشته و بر عابدان و زاهدانی که از روی جهل برای امرار معاش تلاشی نمی‌کنند، تاخته است؛ اما در عین حال او در داستان‌هایش با نگاهی مثبت، به ترویج سیره اهل بیت علیهم‌السلام نیز پرداخته است.

ب. عنصر طنز

طنز بر زبان، لحن و محتوای داستان‌های تیمور سایه افکنده است. زبان طنزآمیز جمعه و موقعیت‌های طنزآمیز متولی، از شگردهای تیمور در جذب مخاطب است. اوج طنز در «عم‌متولی» آنجاست که با دگرگونی ناگهانی موقعیت فلاکت‌بار متولی، وی متوجه امامت خود می‌شود. او که روزگاری برای رجعت امامش دعا می‌کرد: «إِذَا مَا مَرَّتْ عَلَيَّ خَاطِرُهُ ذَكَرْتُ الْمَهْدِيَّ، رَفَعْتُ بَصْرَهُ إِلَى فَوْقِ وَأَخَذْتُ يَدَهُ اللَّهُ أَنْ يَقْرُبَ أَيَّامَ الرَّجْعَةِ، أَيَّامَ الْعُودَةِ الْمُنْتَهَرَةِ لِلْمَهْدِيِّ» (تیمور، ۱۹۳۷، ص ۳۳). امروز خود امام می‌شود.

اما به نظر می‌رسد عنصر طنز به آن صورت که در داستان‌های تیمور نمود یافته، در *داستان راستان*، تجلی نیافته است؛ زیرا شهید مطهری همواره مانند یک مصلح دردمند در پی کشف و درمان ضعف‌ها و کاستی‌ها بوده است.

ج. ارائه مطالب به زبانی ساده

هم داستان‌های تیمور و هم *داستان راستان* شهید مطهری، مطالب را با زبانی ساده و همه‌فهم، به‌ویژه برای سطح فهم عوامل و قشر جوان بیان داشته‌اند. اما به نظر می‌رسد که *داستان راستان*، افزون بر دارا بودن این ویژگی، دارای مبانی عمیق فکری و دینی نیز هست. کمتر

رمانتیک، چون هزار و یک شب و متون ریشه‌دار در سنت دینی عرب، پایان بسته و خوش و نویسنده محوری. به نظر می‌رسد که تیمور با زبانی آهنگین بر دینی آمیخته با خرافات تاخته است. اما نثر داستان‌های شهید مطهری ساده و روان است. شعرگونه نبوده و لحن داستان‌ها نیز آهنگین نیست؛ زیرا هدف شهید مطهری داستان‌نویسی و لفظ‌پردازی نبوده؛ بلکه او اهداف ذیل را دنبال می‌کرده است:

– معرفی اسلام به صورت مکتبی توانا و ماورای توانایی‌ها و ارزش‌های دیگر مکتب‌ها؛

– زمان‌شناسی و شناخت عصر جدید و عنایت به مقتضیات زمان و معرفی اسلام با عنایت به آن؛

– معرفی اسلام به صورت دینی اجتماعی و سیاسی؛ و نه فقط دینی شخصی و فردی که تنها ناظر به رابطه هر فرد با خداوند است؛
– نقد روحانیت سنتی.

۴-۳. ساختار داستانی

عنوان: عنوان دو داستان «الشیخ جمعه» و «عم متولی» برگرفته از شخصیت‌های اصلی است. این عنوان‌های واقع‌گرا و همخوان با فضای داستان، حکایت از تمرکز نویسنده بر عنصر شخصیت دارد؛ تا آنجا که توجه به پرداخت شخصیت به‌ویژه در «الشیخ جمعه»، موجب کم‌رنگ شدن و یا حتی محو دیگر عناصر شده است. شخصیت اصلی داستان «الشیخ جمعه»، تنها شخصیتی است که تشخیص اسمی دارد، نام‌های دیگر، همه عام و محو است، و در داستان «عم متولی»، شخصیت‌های فرعی، اسم دارند؛ اما شهید مطهری برای داستان‌های خود نام‌هایی نهاده که با محتوای داستان‌ها همخوانی دارند. عناوینی همچون مردی که کمک می‌خواست؛ خواهش دعا؛ بستن زانوی شتر؛ و ...

۴-۴. ساختار ادبی

در میان عناصر بلاغی هر دو داستان تیمور، تشبیه عنصری غالب است؛ برای نمونه، در «الشیخ جمعه» در جمله «أرقب شفتیه الیهادتین ترسلان الألفاظ فکأنها السحر» (تیمور، ۱۹۳۷، ص ۷۲). گذشته از الفاظ سحرگون جمعه، تشبیه مضموری نیز نهفته است. گویی جمعه، پیامبری است که رسالت او هدایت الفاظ سحرگون است. در پایان داستان، جمعه به گلی تشبیه شده که در این دنیا

برداشته و با ارائه عقلائی پاسخ‌هایی به مشکلات مطرح در جامعه در هر زمانی، از تمام قید و بندهای زمان و مکان رسته است؛ یعنی داستان راستان او در هر زمانی تازگی و جذابیت خود را از دست نخواهد داد. البته داستان‌های کوتاه محمود تیمور نیز دارای این ویژگی، اما در سطح پایین‌تری هستند.

و. درهم‌آمیختگی تصریح و تلویح

تیمور در «عم متولی» و «الشیخ جمعه»، به صراحت به جهل مردم اشاره می‌کند؛ اما شهید مطهری در داستان راستان فقط به نقل داستان نمی‌پردازد، بلکه به نکات اخلاقی به صورت تصریحی، تلویحی اشاره می‌کند.

داستان راستان شهید مطهری دارای ویژگی‌هایی است که او را از داستان‌های تیمور ممتاز می‌سازد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

– معرفی بدعت‌های وارد شده در دین با لحنی مشفقانه؛

– آسان‌نویسی مطالب دشوار و دیرفهم؛

– پاسخ‌گویی به شبهات؛

– بررسی مسائل ضروری جامعه؛

– سودمندی قصه‌ها.

ح. نقش خرد و تعقل دینی

نقش خرد، در داستان راستان شهید مطهری مشهود است. معرفت عقلی، معرفتی است اصیل، قابل اعتماد و قابل استناد؛ بی‌اعتبار نیست. بر همین اساس شخصیت‌های داستان راستان، راه خود را با تعقل در شنیده‌ها و دیده‌ها می‌یابند. اما به نظر می‌رسد که عنصر تعقل در شخصیت‌های داستان‌های محمود تیمور نمود چندانی ندارد. گویا محمود تیمور تنها می‌خواسته شخصیت خود را با تکیه بر اعتقادات مذهبی آمیخته با خرافات رایج در جامعه عصر خود بی‌رواند. حال آنکه ایمان بدون شناخت، ایمان نیست؛ ولی تنها شناخت هم ایمان نیست. ایمان گرایش است (مطهری، ۱۳۵۳، ص ۱۵۵).

۴-۲. ساختار زبانی

در هر دو داستان «الشیخ جمعه» و «عم متولی»، ردپای آثار شفاهی، از جمله کلمات شیداری، میراث روایت‌گری، موسیقی و شعرگونگی، لحن آهنگین داستان و اشارات نویسنده به ادبیات منظوم دیده می‌شود. در «الشیخ جمعه»، ردپای مقامه‌ها، داستان‌های کهن

می‌توان گفت «الشیخ جمعه»، به قصه نزدیک است تا داستان؛ اما در تک‌تک داستان‌های داستان‌راستان، پیرنگ محکمی به چشم می‌خورد. شهید مطهری زمانی که این داستان‌ها را نوشته است، یک فقیه، فیلسوف، اصولی، متکلم و یک مجتهد و کارشناس دین بوده است. پس گزینش‌کننده این ۱۲۵ داستان، انسان ناوارد و کم‌اطلاعی نبوده، که بگوید این داستان قشنگ است و آن را انتخاب کند؛ بلکه با یک نگاه کاملاً دین‌شناسانه و دردشناسانه، داستان‌ها را انتخاب کرده است (عباسی ولدی، ۱۳۸۴، ص ۲۰)؛ و همین امر موجب شده که او داستان‌های خود را با پیرنگ محکمی بنگارد.

نتیجه‌گیری

تیمور و شهید مطهری از انقلابیون روشنفکر مصر و ایران بوده‌اند که دغدغه دین داشته‌اند و هر دو برای هشیار کردن مردم، به نوشتن داستان روی آورده‌اند؛ اما در داستان‌سرایی دو راه متفاوت را پیموده‌اند. محمود بیماری‌های حوزه دین از قبیل خرافات، ملی‌گرایی و گذشته‌پرستی را شناسایی کرده و آنها را در قالب داستان‌هایی کوتاه به مردم عصر خود، نمایانده است؛ اما شهید مطهری علاوه بر شناسایی این دردها، در *داستان‌راستان* خود، راه درمان آن بیماری‌ها، یعنی چنگ زدن به ریسمان محکم الهی و توسل به ائمه اطهار^ع را به نمایش گذاشته است. در اندیشه استاد شهید مطهری، اسلام دینی جامع و همه‌جانبه است. دینی است که تنها به یک سلسله پندها و اندرزه‌های اخلاقی و فردی و شخصی اکتفا نکرده است؛ دینی است جامعه‌ساز و ریشه همه مباحث، توحید می‌باشد؛ چراکه اصل توحید این صلاحیت را دارد که مانند آب، ریشه همه مباحث دیگر را سیراب کند.

خضر، عباس، ۱۹۶۶م، *القصة القصيرة في مصر*، قاهره، الدار القومية للطباعة والنشر. شلش، علی، ۱۹۷۳، «محمود تیمور»، *أربع قضايا أدبية*، *مجلة الجديد*، العدد ۴۲، ص ۴۴-۴۶.

ضیف، شوقی، ۱۹۷۱، *الأدب العربي المعاصر في مصر*، ط. العاشره، قاهره، دارالمعارف عباسی ولدی، محمدحسین، ۱۳۸۴، *افلاکیان زمین*، تهران، شاهد. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۳، *انسان کامل*، تهران، صدرا. —، ۱۳۹۶، *داستان‌راستان*، تهران، صدرا.

میرصادقی، جمال و حسین میرصادقی، ۱۳۷۵، *داستان و ادبیات*، تهران، نگاه. ناصری، مهدی و اصغر جلالوند، ۱۳۹۲، «بررسی سبک داستانی محمود تیمور بر پایه نقد رمان شمس و لیل»، *ادب عربی*، سال پنجم، ش ۲، ص ۲۱۷-۲۳۸. الیسوعی، روبرت کامیل، ۱۹۹۶، *أعلام الأدب العربي المعاصر*، بیروت، المعهد الألماني للأبحاث الشرقيه.

چون صحرای بی‌ثمر و سوزان، و با آب و هوای سمی است، می‌زید: «هذا الشيخ جمعة الرجل العامي الفيلسوف الذي يعيش باسماء على تلك الأرض المكفهرة القاسية كما تعيش الزهرة في الصحراء الجرداء الحامية ذات الأهوية السامة» (همان، ص ۷۸).

تنها تشبیه داستان عم‌متولی، تشبیه ازدحام خدم به ستون است: «يلتفون حوله متراسة كالبنیان» (همان، ص ۳۷).

جالب اینکه مردم در این داستان در کنار کودکان، وصف می‌شوند؛ با شباهت‌های رفتاری میان آنان. گویی اسلام چون مغز بادام و شیرینی است که متولی دوره‌گرد به مردمی که چون کودکان بر گرد او حلقه زده‌اند، آنها را می‌فروشد: «ينادی على بضاعته يعدد للأطفال» (همان، ص ۳۲).

گذشته از برخی جملات مسجع داستان «الشیخ جمعه»، برخلاف نثر دوره پیش که سرشار از صنایع بدیعی بود، نثر این دو داستان، نمونه‌ای از نثر ساده و بی‌آرایه‌ای است که در دوره‌های بعد گسترش می‌یابد.

اما داستان‌های شهید مطهری عاری از ویژگی‌های فوق هستند؛ زیرا به نظر می‌رسد چنین عناصری یک روشنفکر دینی را از رسیدن به هدف اصلی و عالی خود که معرفی راستین دین مقدس اسلام است، بازمی‌دارد.

۵. پیرنگ در داستان‌های تیمور و داستان‌راستان شهید مطهری

در «الشیخ جمعه» نظیر هزار و یک شب، پیرنگی نیست. تنها می‌توان پیرنگ‌واره‌ای در آن یافت. با توجه به اینکه «اغلب در قصه‌ها روابط علت و معلولی حوادث از نظم منطقی و معقولی برخوردار نیست» (میرصادقی و میرصادقی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۱).

منابع

بعلبکی، منیر، ۱۹۸۰م، *دانشنامه المورد*، بیروت، دارالعلم للملایین. بیار، خباز، ۱۹۹۴م، *محمود تیمور و عالم الروایة في مصر*، بیروت، دارالمشرق. التونجی، محمد، ۱۹۹۹، *المعجم المفصل في الأدب*، ط. الثانية، بیروت، دارالکتب العلمیه تیمور، محمود، ۱۹۲۷م، *الوثبة الأولى*، قاهره، دارالنشر الحديث. —، ۱۹۵۷، *شمس و لیل*، قاهره، مکتبه الآداب مطبعة النموذجية. —، ۱۹۷۰، *اتجاهات الأدب العربي في السنين المئة الأخيرة*، قاهره، مکتبه الآداب مطبعة النموذجية. —، ۱۹۷۳م، *الوثبة الأولى*، قاهره، دار النشر الحديث. حسین، حمدی، ۲۰۰۷، *الشخصية الروائية عند محمود تیمور*، قاهره، مطابع الهيئة المصرية العام. حمدو القدس، فؤاد، ۱۹۹۷م، *محمود تیمور*، حلب، دارالقلم العربی. حمدو القدس، فؤاد و احمد عبدالله فرهود، ۱۹۹۷، *محمود تیمور*، حلب، دارالقلم العربی.

common understanding about the university of Islamic civilization, raising the Quranic and epistemological awareness of all academic activists, planning, policy making, developing the right strategy, providing the necessary infrastructures in a continuous, timely, real, independent, actual, God-centered and practical process through a futuristic approach are among the means for the realization of the Islamic civilization university.

Keywords: university, Islamic university, civilizer university, Islamic civilizer university

Capacities and Challenges of the Culture of Nationalism in Consumption in Support of Domestic Consumption

✉ **Saeed Mohammad-baigi** / M.A. in Economic, IKI

beigi.1992@gmail.com

Mohammad Javad Tavakoli / Associate Professor Department of Economics IKI

Tavakoli@iki.ac.ir

Received: 2020/02/12 - **Accepted:** 2020/05/07

Abstract

Consumption management emphasizing the general policies of reforming the consumption pattern and promoting the consumption of domestic goods, which is one of the general policies of the resistance economy, implies that researchers in the Islamic economics need to have a more accurate understanding of the factors influencing the consumer's tendency towards foreign goods. Using a descriptive-analytical method, this paper examines the effective reasons behind the tendency of consumers towards foreign and domestic products. The findings show that, the affecting variables on the types of consumption are divided into eighteen categories, which every one of them is effective in guiding the consumer's tendency towards the domestic or foreign goods. Managing society's tendencies towards domestic goods has various effects such as, increasing employment rate, consumption management, reducing imports and the welfare of society.

Keywords: behavior of consumer, consumer culture, domestic products, nationalism in consumption, modifying consumption patterns.

The Role of Martyr Motahhari's Book "Anecdotes of Pious Men" and Short Stories of Mahmoud Taymour in the Islamic Awakening of the Two Iranian and Egyptian Revolutions

✉ **Hamidreza Zohrei** / Assistant Professor, Arabic Language and Literature Department, Islamic Azad University, Khorramabad

hamidzohrei@yahoo.com

Seyedeh Parvin Javadi / PhD student in Persian language and literature Islamic Azad University Khorramabad

gavadi8667@gmail.com

Mohammad Mehri / Level 2 of the seminary of Qom

mmehri2490@gmail.com

Received: 2020/02/19 - **Accepted:** 2020/05/15

Abstract

Mahmoud Taymour and Morteza Motahhari are among the intellectuals who, in addition to their significant political presence in the two Iranian and Egyptian revolutions, also have a special place in Persian and Arabic literature. The difference between these two thinkers is that, Taymour, who lived in the time of Arab modernity, the time of change in Arab socio-political life, went beyond traditions and wrote stories regarding Muslim superstition; but, contrary to this approach, Motahhari, given the conditions prevailing in Iranian society, abandoned his work "Philosophy and the Method of Realism" and wisely wrote true stories regarding Islam to show that the true face of Islam is not only those superstitions. In this book, Allame martyr Motahhari has presented many Shiite intellectual and principles in the form of stories. Using a documentary-comparative method, this paper studies the structure, content, differences, similarities, as well as the role of short stories of martyr these two thinkers in the formation of the two revolutions in Iran and Egypt.

Keywords: story, Islamic awakening, religious intellectualism, superstition, Iranian revolution, Egyptian revolution.

Pathology of Family; Analyzing Causes and Effects

Mohammad Fooladivanda / Associate Professor, Department of Sociology, IKI

fooladi@iki.ac.ir

Received: 2020/02/15 - **Accepted:** 2020/05/06

Abstract

Family in the Iranian-Islamic culture is a sacred institution. However, the Iranian family is currently suffering from many problems and crises. Using a descriptive-analytical and documentary method, this paper analyzes the causes and effects behind the problems and crises in Iranian families. The findings indicate that, various changes have taken place in Iranian families, including marriage criteria, philosophy of marriage, reducing the total fertility rate (TFR), increasing the age of spouses in marriage, reducing marriage rates, increasing the rate of youth celibacy, increasing divorce, decreasing cultural attraction of marriage, decreasing family and kinship functions in matrimony, changing family educational functions, decreasing parental authority, decreasing confidence, decreasing solidarity and social capital of the family, decreasing sanctity of the family institution and etc. Some of the factors behind these changes are, family secularization, family planning policies, divorce, women's employment, increasing the age of marriage, the effects of feminism, social and cultural beliefs, new changes in Iranian lifestyle and mass media.

Keywords: family, pathology of family, divorce, age of marriage, feminist lifestyle.

The Personality of Marriage Mediators in the Scope of the Qur'an and Traditions

✉ **Younes Isvand** / PhD student in Islamic ethics Islamic Teachings University

y.eisvand@gmail.com

Mohammad Taghi Sobhani nia / Assistant Professor, University of Qur'an and Hadith

mt.sobhani@gmail.com

Received: 2020/01/11 - **Accepted:** 2020/05/13

Abstract

Mediation in marriage is a serious and effective responsibility in the destiny and formation of new families. Recognizing the personality of people who are worthy of mediation in marriage is a necessary mission to avoid false claimants, and facilitate and strengthen the foundation of the family. Using a descriptive-analytical and desk-research method, this paper categorizes the psychological, moral, scientific, educational, and skill characteristics of mediators in three different groups, which are, sound reason, good intention, honesty, trustworthiness, patience, responsibility, benevolence, kindness, eloquence, social status, familiarity with jurisprudence and psychology and taking advantage of practical skills and experiences

Keywords: marriage, mediation in marriage, mediator, mediation ethics, features of mediator.

Islamic Civilizer University; Challenges and solutions

Marjan Javanbakhsh / M.A. in Educational Management, Islamic Azad University, Qom

mjavan2004@yahoo.com

✉ **Saifullah Fazlullahi Ghomshi** / Assistant Professor PhD in Curriculum Planning Islamic Azad University, Qom

fazlollahigh@qom-iau.ac.ir

Mahmoud Abolghasemi / Associate Professor Department of Educational Management Shahid Beheshti University

Received: 2020/02/19 - **Accepted:** 2020/04/26

mabolghasemi60@gmail.com

Abstract

Using a descriptive-analytical and documentary method and focusing on the views and opinions of higher education thinkers, this paper studies the challenges and strategies for the realization of the Islamic university as an Islamic civilizer university. The findings indicate that, universities today are considered the pillars of civilization, which directly or indirectly affect the society. The university is a place for the production of science required for the Islamic civilization. Achieving a

An In-depth Analysis of the Capacities of Metaphorical Conceptualization in Understanding and Transmitting Religious Teachings with Emphasis on Nahj al-Balagha

Ali Malakouti-nia / PhD student in Science and Education of Nahj al-Balagha, University of Qur'an and Hadith

Received: 2020/01/08 - **Accepted:** 2020/04/27

alim2200@gmail.com

Abstract

Nahj al-Balagha is a book that conveys many Islamic teachings to the audience in an honest and delicate language. Linguistic studies show that Amir al-Mu'minin Ali (PBUH) has used the most metaphorical metaphors and sentences in this book. Accordingly, the fundamental question is, what is the nature and capacity of metaphorical conceptualization in changing thoughts and behaviors that has been used in Nahj al-Balagha as an effective model in understanding and transmitting religious teachings to the audience? Using a descriptive-analytical and documentary method, this paper analyzes the capacities of metaphorical conceptualization in understanding and transmitting religious teachings in Nahj al-Balagha. Metaphorical conceptualization is a type of intellectual and cognitive phenomenon that has capacities such as, creating meaning and theorizing, persuading the audience, demonstrating the intellectual, social and political discourse of the individual and society. The delicate use of this capacity has made Nahj al-Balagha appear as a glorious and powerful religious medium in presenting Islamic concepts and teachings.

Keywords: metaphorical conceptualization, conceptual (cognitive) metaphor, understanding and transmitting religious teachings, the conduct of Amir al-Mu'minin Ali (PBUH), Nahj al-Balagha.

Cultural-diffusion: The Mechanisms of Cultural-diffusion of the Imperialistic System, Emphasizing the Supreme Leader's Thoughts

✉ **Hossein Arjini** / Assistant Professor, Islamic Ma'aref University

arjini@maaref.ac.ir

Bibi Raziye Husaini-nejad / M.A. in Islamic Revolution, Islamic Ma'aref University

r.hoseini2019@mailfa.com

Received: 2019/12/04 - **Accepted:** 2020/05/17

Abstract

Cultural-diffusion has been one of the enemy's strategies in recent years, which has been adopted by the arrogant powers to defeat the Islamic Revolution. Using a descriptive-analytical method, this paper studies the mechanisms of cultural-diffusion of the imperialistic system from the viewpoint of Ayatollah Khamenei, the Supreme Leader of the Islamic Republic of Iran. Through soft power theory, this paper examines the dimensions of cultural-diffusion in the economic, political, and cultural spheres. Some of the mechanisms and techniques of the arrogant system in this respect are as follows, destructing the religious beliefs, undermine the revolutionary values, magnification of social problems, deviation in Shiite rituals and dominating the educational system.

Keywords: imperialistic system, Islamic Revolution discourse, cultural-diffusion, mechanisms.

ABSTRACTS

The Real Shiites' Characteristics in Imam Mohammad Bagher (PBUH)'s Wills (5)

Ayatollah Allame Mohammad-Taqi Mesbah

Abstract

This paper is a commentary on the advices of Imam Mohammad Bagher (PBUH) to Jabir b. Yazid al-Ju'fi, one of his noble companions, regarding the characteristics of the real Shiites. On this account, another characteristic of the Shiites is "Jihad with the soul" to overcome the desires of the soul. Although seeking Divine pleasure and avoiding divine prohibitions seem to be simple, it is very difficult to obtain. If one loves God, seeks to attract the love of God, too. In the struggle with the soul, the believer opposes desires to avoid deviation and obtain the love of God, though he may sometimes be defeated. In his advice, Imam Bagher (PBUH) said, if a believer is defeated in the struggle with the soul, he should not be disappointed, rather, he should do his best to win over his desires. Satisfaction with God in all matters is the secret behind servitude and strengthening faith and attaining perfection.

Keywords: soul, Jihad, Divine help, the struggle with the soul, knowledge and insight.

Principles of Confronting the Enemy in Nahj al-Balagha

✉ **Hafizullah Fouladi** / Assistant Professor, Sociology Department, Research Institute of Hawzeh and University hfooladi@rihu.ac.ir
Mohammad Nouhi / M.A. in Social Communication Sciences, IRIB University mnoohi1366@gmail.com

Received: 2019/12/10 - **Accepted:** 2020/04/13

Abstract

It can be said that Islam always teaches moderation in all areas and activities. But what is the approach of religious leaders to dealing with the enemy? Now, the question is, what are the principles of confronting the enemy from the point of view of Amir al-Mu'minin Ali (PBUH)? Using a descriptive-analytical and desk-research this research has been done. The research finding are presented in two formats, the principles of dealing with internal enemies, and the principles of dealing with external enemies, which are, forgiveness, tolerance, benevolence, moderation..., awareness before the enemy, distrusting the enemy and avoiding submission to the enemies.

Keywords: principles, enemy, Nahj al-Balagha, social communication, Amir al-Mu'minin Ali (PBUH).